فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۶- صفحه ۲۶۲-۲۴۹

بررسی اندیشه‌های اقتصادی ابن خلدون

میثم موسائی*
راضیه خسروانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

چکیده

ابن خلدون یکی از متفکرین مسلمان است که چهار قرن قبل از آدام اسمیت، نظریات مختلفی درباره مسائل اقتصادی مطرح کرده است؛ او مسائلی نظیر نظریه درآمد، تولید، مصرف، توزیع، مطلوبیت، ارزش کار، رشد و توسعه، نقش دولت در اقتصاد را با روشی متفاوت مطرح کرده است. از لحاظ تاریخی او مستحق تر است که "پدر علم اقتصاد" شناخته شود تا آدام اسمیت. در این مقاله سعی می شود متدلوژی و اندیشه های اقتصادی او به زبانی ساده مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ابن خلدون، اندیشه های اقتصادی، تئوری ارزش و مکانیسم قیمت ها

* استاد دانشگاه تهران Mousaaei@ut.ac.ir
** دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه (نویسنده مسئول)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

مقدمه

در ابتدا باید به این موضوع اشاره شود که یکی از دلایل انتخاب بررسی اندیشه های اقتصادی ابن خلدون این بوده است که دانشجویان اقتصاد در طی سالهای تحصیل در رشته اقتصاد، باکمتر پژوهش و مطالعه ای در باره جنبه های اقتصادی اندیشه های ابن خلدون مواجه شده اند و وی را با ارائه آرایی در بارع عصبیت و علم عمران بیشتر به عنوان یک جامعه شناس می شناسند تا اقتصاد دان، این در حالی است که نظریات وی در باب موضوعات اقتصادی در زمان خود و حتی سال ها بعد از آن بسیار منحصر به فرد بوده و به عنوان پیش زمینه نظریات بسیاری از اندیشمندان اروپایی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. زندگی نامه

عبدالرحمن بن محمد بن خلدون الحضرامی تونسی معروف به ابن خلدون سیاست‌مدار، جامعه‌شناس، انسان‌شناس، تاریخ‌نگار، فقیه و فیلسوف مسلمان درسال ۷۳۲ قمری در تونس به دنیا آمد و آموزش‌های آغازین را را نزد پدرش فراگرفت. سپس نزد علمای تونسی قرآن و تفسیر، فقه، حدیث، علم رجال، تاریخ، فن شعر را فرا گرفت. وی را میتوان یکی از پیشگامان علم جامعه شناسی و اقتصاد دانست. در دوران جوانی در عین اینکه به فراگیری علم و دانش مشغول بود، به کارهای سیاسی و دولتی نیز می‌پرداخت. از این رو در کشورهای آندولس و آفریقا به مقامات دولتی قابل توجهی رسید. بعد از مدتی به مصر رفت و در جامعه الازهر به تدریس پرداخت. دیری نپایید که وی مورد توجه سلطان مصر قرار گرفت و به مقام قاضی القضاتی نایل گشت. همچنین وی در مسیر زیارت خانه خدا با تیمور لنگ در شام دیداری داشت و مورد عنایت وی نیز قرار گرفت.(ویکی پدیا)

از وی تالیفات زیادی در زمینه های گوناگون به جا مانده است. مهم‌ترین اثر ابن خلدون کتابی است به نام «کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر» در تاریخ عمومی که مقدمه آن یکی از شاهکارهای فلسفی و تاریخی عالم اسلام است و نخستین تصنیف در علم الاجتماع و فلسفه تاریخ به شمار می‌رود.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که بعضی ابن خلدون را پدر علم اقتصاد معرفی کرده اند و این در حالی است که تا ۳۰۰ سال بعد از ابن خلدون علم اقتصاد فرزندی نداشته تا پدری برای آن جستجو کنیم و عقاید اقتصادی پیش ازفیزیو کرات ها تحت اشعاع سنت ها، اخلاق و دین بوده است.آدام اسمیت اولین کسی است که کتاب جامع اقتصادی-ثروت ملل- را تالیف و بنیان نهاد و تحلیل های اقتصادی را از تابعیت سیاست و دین آزاد ساخته و پیروان بسیاری در همه جهان تا عصر امروز پیدا کرده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

ضمن اینکه اثر آدام اسمیت در کل در زمینه علم اقتصاد بوده در حالی که اثر جاویدان ابن خلـدون علاوه بر اقتصاد در درباره تاریخ و فلسفه تاریخ و دانش عمران است (قدیری اصل، ۱۳۸۷: ۹۹).

در این مقاله سعی شده است که به بررسی آرا و اندیشه های اقتصادی وی پرداخته شود.

۲. ابن خلدون در نگاه اندیشمندان

با ملاحظه همه جوانبه‌ای که ابن‌خلدون در مقدمه رعایت کرده است، می‌توان ادعا کرد که ایـن اثـر در زمینه‌ی تاریخ‌شناسـی در دنیـای اسـلامی یـک نـوآوری بی‌ماننـد و پدیـد آورنـده آن در میـان تاریخ‌نگاران مسلمان یک استثنا و در زمینـه‌ی فکـر تـاریخی در میـان تاریخ‌نگـاران پـیش از خـود بی‌مانند است. با وجود این، اندیشه و روش نبوغ‌آمیز ابن‌خلدون نه تنها در زمان خود بلکه تا سده‌ها به صورتی شایسته مورد ارزیابی و نقد و داوری قرار نگرفت و چون تخمی درشـوره زار، بـی حاصـل ماند تا این که بخش هایی از مقدمه او در سال ۱۸۰۶ میلادی به وسیله سیلوستر دوساسی به زبـان فرانسه ترجمـه شـد و در همـان ایـام نیـز هـامر پورگشـتال، تاریخ‌شـناس اتریشـی، ابن‌خلـدون را مونتسکیوی جهان عرب نامید. از آن زمان بود که دانشمندان اروپـا از نبـوغ ایـن متفکـر بـزرگ در شگفت شدند و بر پیشی‌گرفتن او بر دانشمندان اروپایی در طرح موضوع‌هایی چـون جامعه‌شناسـی، فلسفه‌ی تاریخ و اقتصاد سیاسی اذعان کردند.

مقدمه‌ی ابن‌خلدون چنان انقلابی در افکار دانشمندان قرن نوزدهم ایجاد کرد که بـه ایـن بـاور راسخ شدند که این تاریخ‌شناس تونسی مسلمان چهار سده پیش از ویکوی ایتالیـایی تـاریخ را علـم دانسته وقبل از مونتسکیو درباره علت انحطاط تمدن‌ها سخن گفته است. اشمیت دانشمند امریکایی گفته است که: "ابن‌خلدون در دانش جامعه شناسی به مقامی نائل آمـده اسـت کـه حتـی آگوسـت کنت در نیمه دوم قرن نوزدهم بدان نرسیده است." آرنولد تـوین‌بی، مـورخ معاصـر آمریکـایی، نیـز می‌گوید :" مقدمه‌ی حاوی درک و ابداع فلسفه‌ای برای تاریخ اسـت کـه درنـوع خـود و در همـه‌ی روزگاران از بزرگ‌ترین کارهای فکری بشر است."

در واقع جهان اسلام هم از راه اروپا با ابن‌خلـدون آشـنایی دوبـاره یافـت. ابن‌خلـدون امـروز در فرهنگ جهانی جایگاه شایسته ای دارد. او نه تنها نسبت به زمان خود استثنایی جلوه می‌کنـد، کـه با انسان‌های متفکر زمان ما نیز سخنان بسیار دارد؛ نـه از آن رو کـه بتـوان نظرهـای او را در مـورد جامعه‌ی معاصر به کار برد، بلکه از آن جهت که تحلیل‌های او برای فهم زمینه‌های تـاریخی جامعـه بسیار سودمند اسـت. او تفکـر تـاریخی را بـه مرحلـه ای نـو رسـانید و تـاریخ نویسـی را از صـورت رویدادنویسی پیشین به شکل نوین علمی و قابل تعقل درآورد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

۳. روش ابن خلدون

ابن خلدون در روش شناسی معتقد به فلسفه عقلانی بود و هیچ علاقه ای به این موضوع نداشت که واقعیات جامعه شناسی اقتصادی را با این طرز فکر که همه چیز توسط خدا تکمیل شده و صورت گرفته اثبات کند در واقع وی از روش برهان واستدلال عقلی در کارهای خود استفاده کرده است. او در فراهم سازی مقدمات استدلال خود از استقراء، تجربه و حتی تحلیل های آماری سود جسته است.گردآوری اطلاعات، بررسی صحت آنها، قرار دادن آنها در درون کل نظام اجتماعی، توصیف و سرانجام نتیجه گیری ازمراحل کار پژوهشی وی است.این در حالیست که روش شناسی حاکم بر آن دوره قیاسی بوده است(سعیده سهرابی و محمد گویا،۱۳۸۸).

در واقع روش شناسی وی را می توان به شرح ذیل تقسیم بندی کرد:

۱- شک به آثار تاریخی : ابن خلدون به مورخان انتقاد می نمود که تاریخ صرف نوشتن شرح وقایع نمی باشد . بلکه مورخ می بایست به دنبال علل وقایع و حوادث تاریخی بگردد .

۲- متد کل نگر ارسطویی را شیوه ای نارسا می داند : ابن خلدون معتقد بود تغییر متد و شیوه ی تفکر عامل اصلی پیشرفت یا انحطاط یک تمدن قلمداد می شود . او متد کل نگر یا استقرا رارد می کند و این نوع نگرش را قابل اتکا نمی داند به مشاهده مستقیم و غیر مستقیم و دقیق وقایع می پردازد . و استقرا درروش ابن خلدون بوضوح دیده می شود .

۳- فلاسفه را به شدت مورد انتقاد قرار می دهد :با آنکه در جوانی خودش به مطالع فلسفه می پردازد . اما بعد ها بشدت آن را مورد انتقاد قرار می دهد و معتقد است فلسفه موجب می شود مردم عقل خویش را از دست دهند و گنا ه آنها بر عهده کسانی است که مرتکب این گونه امور می شوند .

۴- به تفکیک امور عینی و ذهنی می پردازد و امور عینی را قابل بررسی میداند.

۵- ابن خلدون درآثارش مباحث الهی و اعتقادی رارد می کند و به بررسی مسائل عینی اجتماعی می پردازد

۶- علم عاری از ارزش : او معتقد است محقق می بایست در جریان تحقیق ارزشهایش را دخیل نکند و می گوید اگر محقق به مذهبی شیفته باشد . این مذهب نباید به منزله پرده ه ای روی دیده ی بصیرت وی را بپوشاند و اگر این کار انجام دهد موجب خطای وی می شود .(همان)

حال که تا حدودی با زندگی و روش تحقیق ابن خلدون آشنا شدیم بهتر است تا به بررسی برخی از نظرات و اندیشه های اقتصادی وی بپردازیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

۴. ابن خلدون و نظریات وی در خصوص تمدن

این که در اینجا به موضوع نظریات در خصوص تمدن می پردازیم به این دلیل است که تمدن ها به نوعی با شکل گیری اقتصاد در جوامع بشری در ارتباط تنگاتنگ قرارداشته اند در واقع به باور ابن خلدون و تعدادی از محققان و نظریه پردازان، تکوین تمدن تابع چند عامل می تواند باشد:

۱- زمین شناسی: زیرا در فواصل دوران یخچالی زمین بوده است که تمدن ها ظهور کرد.

۲- جغرافیا: زیرا گرما و سرمای مفرط مانع از توان ساختن و اندیشیدن می شود. مثلا به تعبیر آرنولد توین بی ، مورخ انگلیسی، برای ظهور و بقای هر تمدن چگونگی سازگاری با محیط جغرافیایی یک شرط مهم تلقی می شود و رمز ترقی حقیقی تمدن ها نیز سیر جامعه به سوی اعتلای معنوی است.

۳- اقتصاد یا همان شرایط برگرفته از لزوم گذار از مراحل زندگی شکارگری به زندگی زراعی و سرمایه داری یا تغییر از توحش به تمدن. این مسئله ای است که از سوی دانشمندان ارائه شده است و نشان میدهد که گذر از مراحل اقتصادی یکی از شرایط مهم در شکلگیری تمدنها در جوامع بشری بوده است. (پایگاه خبری تحلیلی انتخابEntekhab.ir)

۵. ابن خلدون و ضرورت پدیده های اقتصادی

همه کسانی که قبل از وی به بررسی پدیده های اقتصادی پرداخته اند برای آن جنبه علمی قائل نبوده اند و تمام توجهاتشان به جنبه های اخلاقی؛تشریعی و حقوقی مسائل معطوف بوده است. وی اولین محققی است که پدیده های اقتصادی را با روش علمی مورد توجه قرار داده و به اسباب و علل به وجود آمدن آنها و کشف قوانین حاکم بر این روابط پرداخته است. همین امر سبب شده است که نظریات وی در باب مسائل اقتصادی علیرغم به وجود آمدن مسائل پیچیده در اقتصاد و تحولات بزرگ در جوامع صنعتی هنوز از اهمیت علمی برخوردار باشد.

نظریات وی قرن ها بعد به وسیله مرکانتلیست ها، سوداگران قرن هفدهم، از جمله سر ویلیام پتی (۱۶۲۳ ۱۶۸۷ میلادی)، کلاسیک ها از جمله آدام اسمیت (۱۷۲۳ ۱۷۹۰ میلادی)، دیوید ریکاردو (۱۷۷۲ ۱۸۲۳ میلادی)، توماس ر. مالتوس (۱۷۶۶ ۱۸۳۴ میلادی)، کارل مارکس (۱۸۱۸ ۱۸۸۳ میلادی)، و جان مینارد کینز (۱۸۸۳ ۱۹۴۶ میلادی) و خلاصه به وسیله نظریه پردازان اقتصادی معاصرگسترش یافت.(جورج تاون۱۳۸۲)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

۶. اهمیت کار وکوشش از دیدگاه ابن خلدون

ابن خلدون با الهام گیری از مضامین متون دینی اهمیت کوشش و فعالیت انسانی را در کسب معاش متذکر می گردد. ابن خلدون با اشاره به متون دینی وارده در زمینهٔ منابع خدادادی می گوید: »... و خدا سبحانه و تعالی همهٔ آنچه را در این جهان است برای انسان آفریده است و در چندین آیه از کتاب خود بر او منت نهاده است و می گوید: برای شما همهٔ آنچه را در آسمانها و زمین است بیافرید و خورشید و ماه را برای شما رام کرد و دریا را برای شما رام فرمود و کشتی را برای شما مسخر کرد و چهارپایان را برای شما رام فرمود. این گونه شواهد در قرآن بسیار است و دست و قدرت انسان بر جهان و آنچه در آن هست گشاده است زیرا خدا او را به منزله جانشین خود قرار داده است.(اخوان۱۳۸۲)

۷. نظریه ارزش کار

ابن خلدون نخستین‌بار با انتقاد از بازار آزاد، نظریهٔ ارزش کار را مطرح کرد.از دیدگاه او کار، منبع ارزش است. او این نظر خود را در باره نظریه ارزش کار به تفصیل شرح داد و نخستین فرد در تاریخ بود که آن را ارائه کرد. وی این موضوع را ماهرانه در تحلیل خود از کار و تلاش انسان مطرح کرد. این در حالیست که در جهان اقتصاد این نظریه منسوب به آدام اسمیت و ریکاردو است طبق نظر آنها، ارزش مبادله‌ای کالا باید برابر با مدت زمان کاری باشد که برای تولید آن مصرف شده است. کارل مارکس با الهام از نظریات این دو اقتصاد دان معتقد بود که «دستمزد کار باید برابر با تولید کار باشد» و نظر به عدم توجه به این موضوع در دنیای سرمایه داری؛سرمایه‌داران، پاداش نامتناسب و ناعادلانه‌ای بیشتر از سهم مسارکتشان در تولید دریافت می‌کنند و از حاصل دسترنج طبقهٔ کارگر یا پرولتاریا بهره می‌برند و در واقع ارزش اضافی حاصل از تولید به جیب سرمایه داران سرازیر میشود.

وی معتقد است که کار، شرط لازم و کافی برای کسب درآمد و سود است، پس منابع طبیعی فقط شرط لازم محسوب می شوند. کار و حاصل آن، منجر به تولید می شود که آن نیز به نوبه خود از طریق تهاتر و یا کاربرد پول، که طلایا نقره است، مبادله می شود. این فرآیند، درآمد و سودی را باعث می شود که پس از کم کردن هزینه مواد خام، ارزش کار را نصیب خود می کند. (نعمتی وروجنی،۱۳۸۸)

هر اندازه که نوع خاصی از کار، ارزشمندتر شود و تقاضا برای محصول آن از عرضه فراتر رود، درآمد ناشی از آن کار نیز باید افزایش یابد. درآمد بالای یک حرفه، دیگران را به سوی آن جذب می کند، پدیده ای پویا که نهایتا به افزایش عرضه آن و متعاقبا به کاهش سود حاصل از آن، منتهی می

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

شود. این اصل در تحلیل اولیه و خردمندانه ابن خلدون از تنظیمات طولانی مدت درون مشاغل و بین مشاغل، توضیح داده شده است. (همان)

وی همچنین تمامی درآمدها را به دو دسته تقسیم می‌کند: «ربح (درآمد کل) و کسب (درآمد برای امرار معاش.) ربح زمانی کسب می‌شود که فرد برای خود کار می‌کند و محصولات را به دیگران می‌فروشد. در این‌جا ارزش باید شامل بهای مواد خام و منابع طبیعی نیز شود. کسب، زمانی حاصل می‌شود که فرد برای خود کار کند. بسیاری از مترجمین اشتباه مشابهی را در مورد فهم ربح، تکرار کرده‌اند. ربح، بسته به زمینه‌اش، به معنای سود و یا درآمد کل نیز هست. در این مورد، ربح به معنای درآمد کل است، زیرا بهای فروش کالا، شامل بهای مواد خام و منابع طبیعی نیز هست. خواه ربح و یا کسب، تمامی درآمدها، ارزشی هستند که از کار انسان ناشی می‌شوند. طبق نظر ابن‌خلدون، گرچه ارزش اشیاء شامل هزینهء مواد خام و منابع طبیعی نیز هست، ولی از طریق کار است که ارزش، افزایش یافته و ثروت بیش‌تر می‌شود. با تلاش کم‌تر انسان، ممکن است مسیر عکس اتفاق بیفتد. ابن‌خلدون، تاکید زیادی بر نقش «تلاش اضافی» داشت که بعدها با عنوان «بازدهی نهایی» شناخته شد. نظریهء کاروی، دلیلی بر ظهور شهرها ارایه کرد که کانون‌های تمدن هستند.(جورج تاون،۱۳۸۲)

در واقع میتوان گفت که در همه جوامع و تمدنها ونظامهای اقتصادی و اجتماعی و در همه شیوه های تولید کسانی که کار میکنند و ارزش تولید میکنند،اکثریت دارند؛ بنابراین در آن دسته از نظام های اجتماعی و شیوه های تولیدی می توان از مردم سالاری، آزادی،دموکراسی وحکومت کارگران و زحمتکشان و مستضعفان سخن به میان آورد که این اکثریت بتواند در تمامی شئون سیاسی،فرهنگی و اقتصادی جامعه حاکمیت و مالکیت خود را اعمال کند.این حق همه زمینه های سیاسی،فرهنگی و اقتصادی را در میگیرد و نمی توان آنرا به یک زمینه محدود و به این ترتیب آنرا نقض و نفی کرد.

۸. نظریه پول

ابن خلدون در مباحث کلان اقتصادی، در تئوری پول نیز نقش دارد. طبق نظر ابن خلدون پول ثروت واقعی نیست، بلکه وسیله ای برای تحصیل ثروت است. ابن خلدون اولین نفری بود که وظایف اصلی پول یعنی واحد سنجش ارزش، ذخیره ارزش و وسیله مبادله بودن را ارائه داد: «این دو فلز معدنی طلا و نقره به عنوان بها و قیمت هرگونه ثروتی، ذخیره ارزش و دارایی ... محسوب می شوند. اگر مردم تحت برخی شرایط غیر از طلا و نقره نگه می دارند، هدف اصلی آن ها از آن، به دست آوردن طلا و نقره است; چون هرگونه ثروتی غیر از طلا و نقره در معرض نوسانات بازار قرار دارد و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

این دو از آن به دور هستند. بنابراین، طلا و نقره اصل و اساس هرگونه درآمد، ثروت و ذخیره می باشند.» در هر صورت، شکل واقعی ثروت پول نیست. ثروت حاصل مستقیم یا تغییر شکل یافته کار در قالب انباشت سرمایه به معنای واقعی است. بنابراین، این ابن خلدون بود که برای اولین بار بین پول و ثروت واقعی تفاوت قایل شد. هر چند ابن خلدون معتقد است آنچه مردم در نهایت نگهداری خواهند کرد پول است. با وجود این، پول نقش بسیار مؤثری نسبت به عملیات تجاری پایاپای در جامعه ای که مردم نتایج کار خود را در قالب کالا یا خدمات به منظور ارضای نیازهای خود با یکدیگر مبادله می کنند، بازی می کند. پول همچنین جریان کالاها را از بازاری به بازار دیگر و حتی از کشوری به کشور دیگر تسهیل می کند.(م. اویس ابراهیم،۱۳۸۸)

از نظر ابن خلدون؛قیمت تمامی کالاها به جز قیمت طلا و نقره که جزو معیارهای پولی هستند از قانون عرضه و تقاضا منتج میشوند.همه کالاها به نوسانات قیمت که به بازار وابسته است تن میدهند.پس هنگامی که کالایی نایاب مورد تقاضا قرار میگیرد قیمتش بالا می رود و هنگامی که کالایی فراوان است با کاهش قیمت مواجه می شود.

۹. نظریه درباره نظام مالیاتی

نظریه وی در باب نظام مالیاتی یکی از مهمترین نقش های وی در در تاریخ اندیشه های اقتصادی است.ابن خلدون در اثر خود"المقدمه" نظریه مالیات و هزینه های دولت را با هم مرتبط میکند و در خصوص نرخهای پایین مالیاتی اینچنین استدلال میکند که این نرخهای پایین باعث می شوند انگیزه های کار برای نیروی کاراز بین نرود و هم افراد جامعه با رضایت کامل مالیات را پرداخت کنند.به اعتقاد وی در آغاز شکلگیری یک حکومت،در یک برآورد جزئی چنین به نظر میرسد که مالیات های افراد تحت حکومت؛درآمدی قابل توجه عاید دولت میکند اما در واقع مالیات های اخذ شده سهم بسیار اندکی در درآمدهای حاصله دولت دارد.وی مفهوم مالیات بهینه را به خوبی درک کرده است و تاثیر مالیات بر انگیزه های کاری و بهره وری نیروی کار در اندیشه های وی قابل مشاهده است.(محسن ممقانی،۱۳۹۳)

او تاثیر مخارج دولت بر اقتصاد را مورد توجه قرار داده و بر اساس آن از یک سیاست گذاری عاقلانه و مولد برای مخارج دولت حمایت میکند.وی با ارائه این نظریه که نرخ مالیات باید به سطح پایه مالیاتی برسد تا انگیزه کار و فعالیت از نیروی کار گرفته نشود به عنوان یکی از پایه گذاران نظریه مدرن مالیاتی شناخته شده است.(همان)

ابن خلدون معتقد است که دولت ها عمدتا از طریق خرید کالا و خدمات و نیز سیاست های مالیاتی و هزینه های خود نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصاد کشور ایفا می کنند. همچنین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

دولت‌ها می توانند محیط را برای انگیزه کار و ترقی روزافزون مهیا سازند یا به عکس نظام ظالمانه ای را که سرانجام به شکست خود دولت منجر می شود ایجاد کنند. هر چند ابن خلدون بدون محاسبه دقیق، بر اساس آنچه که امروزه به عنوان تحلیل هزینه ـ فایده مشهور است، دولت ها را بی کفایت می شمرد، لکن دولت ها با خریدهای کلانشان هنوز نقش مهمی در اقتصاد کشور بازی می کنند. هزینه های دولت، اقتصاد کشور را با افزایش درآمدهایی که بیش تر از طریق اثر ضریب تکاثری به جریان درمی آیند، تحریک می کند. در هر صورت [وی معتقد است] پادشاه اگر مقداری از مالیات جمع آوری شده را نگه دارد، تجارت راکد خواهد شد و فعالیت های اقتصادی کشور به طور معکوس از طریق اثر ضریب تکاثری تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.دولت باید علاوه بر برنامه رفاهی برای فقرا، بیوه زنان، ایتام و نابینایان ـ مشروط به این که بار اضافی برای خزانه دولت نداشته باشد ــ درآمد مالیاتی خود را عاقلانه به منظور بهبود شرایط رعیت، حمایت از حقوق آن ها و حمایت از آن ها در قبال آسیب ها صرف کند.(م.اویس ابراهیم،۱۳۸۰)

۱۰. نظریه مازاد و تجارت

ابن‌خلدون، بحث مربوط به سودهای به دست آمده از طریق تخصصی‌سازی را گسترش داد تا به این نتیجه برسد که تجارت موجب مازاد تولید می‌شود. نخست، ابن‌خلدون بود که این ایده را مطرح کرد که اشخاص نمی‌توانند بدون همکاری با یکدیگر «نجات» یابند و به طریق اولی این ایده را تشریح کرد که چنین همکاری‌ای موجب دستیابی به سطحی از تولید می‌شود که بیش از مقدار مورد نیاز گروهی است که با یکدیگر همکاری می‌کنند. همچنین ابن‌خلدون توضیحات خود را این‌گونه ادامه می‌دهد که چگونه این مازاد می‌تواند در امر تجارت با ساکنان شهرهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد. در حالی که تمرکز ابن‌خلدون بر مزایای تجارت از منظر کلان اقتصادی است، آدام اسمیت ابتدا در فصل دوم کتاب خود به ایده تجارت اشاره می‌کند. او تقسیم نیروی کار را به عنوان یک منطق متمایز برای انسان در امر تخصصی‌سازی در نظر می‌گیرد. اسمیت سپس تمایز بحث‌برانگیزی (در زمان خود) را بین ثروت پولی (انباشت طلا و نقره) و ثروت حقیقی یک کشور - که همانا مبادله طلا میان کشورهاست - مطرح می‌کند. بدین‌سان، اسمیت از سیستم تخصصی‌سازی و تجارت شخصی که در نهایت منجر به حمایت از ثروت همه کشورها می‌شود، طرفداری می‌کند. این ایده که ثروت یک کشور، انباشت ذخایر آن کشور از فلزات گرانبها نیست، برای قرن هجدهم میلادی تا حدی بدیع و تازه محسوب می‌شود، اما بی‌سابقه نیست. چنان که ابن‌خلدون این مساله را ۴۰۰ سال پیش از آن عنوان کرده بود.(احسان برین-سایت اندیشه اقتصادی)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

۱۱. نظریه مخارج دولت

به نظر ابن خلدون؛دولت بزرگترین بازار،مادر اساس و مایه همه بازارها در دخل و خرج است پس میتوان گفت وی برای مخارج دولت در اقتصاد نقشی کلیدی قائل است.نقشی که وی برای دولت در رشد و توسعه اقتصادی قائل است بسان نقش قلب در بدن است.بر این اساس وی معتقد است که دولت ثروتهای پراکنده در جامعه را از طریق نظام مالیاتی جمع آوری می کند و دوباره از طریق مخارج دولتی به پیکره اقتصاد بر می گرداند.با این مکانیسم ثروت با سرعت به جریان می افتد و به دورترین نقاط کالبد جامعه میرسد.(اخوان حمید،۱۳۸۲)

به اعتقاد وی؛مخارج دولت سبب افزایش تولید در جامعه شده و دو مرتبه از طریق مالیات به طور مضاعف به خزانه دولت برمیگردد.(ابن خلدون,۱۳۶۲)

به نظر وی همچنین در خصوص ذخیره پول توسط دولت و احراز از خرج کردن آن باعث کند شدن چرخه های اقتصادی و رکود در جامعه میشود.(اخوان حمید،۱۳۸۲)

۱۲. دولت و نظارت در اقتصاد

بنابر اعتقاد ابن خلدون، دولت ها در فعالیت های اقتصادی خود از دو نیرو کمک می گیرند:

۱- نیروی انسانی،

۲- تکنولوژی و نیروی ماشین.

لذا فعالیت های اقتصادی آن دولتی بیشتر می¬باشد که جمعیت بیشتر و دانش پیشرفته تری در اختیار داشته باشد. به زبان اقتصادی امروز، ابن خلدون برای رسیدن به توسعه اقتصادی دو عامل تولید را بیش از عوامل تولید دیگر ارج می¬نهد. اول عامل کار ، دوم عامل سرمایه، به معنای عام آن ماشین آلات پیشرفته را نیز در بر می¬گیرد. ابن خلدون در مورد اهمیت نقش دولت در توسعه اقتصادی تا اینجا جلو آمده است که می¬گوید: سیرت شهر یعنی وسعت، رونق، جمعیت و حیطه و قدرت تمدن آن بستگی به قدرت و وسعت دولتی دارد که آنرا تأسیس می کند.

اگر دولت نیرومند و دارای متملکات پهناور باشد، در آن صورت شهر هایی که تأسیس می‌کند ، به ویژه پایتخت، به سرعت رو به رشد و توسعه می‌گذارد. جمعیت آن رو به افزایش می‌رود. ابنیه و آثار یادگاری ساخته می‌شود و فعالیت های اقتصادی و نهادهای علمی آن توسعه می‌یابد.

ابن خلدون نظارت دقیق دولت را بر چگونگی عرضه کالاها لازم میداند تا از اجحاف عده ای سودجو که موجب اختلال در نظام عدالت اجتماعی میشوند جلوگیری شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

وی یکی از وظایف مهم دولت را نظارت و کنترل کافی بر همه جنبه های عرضه؛اعم ازکمیت و کیفیت کالاها به نحوی که منافع مصرف کننده را تامین کند؛می داند.در واقع دولت با نظارت دقیق باید از ثروت اندوزی نامشروع جلوگیری به عمل آورد.(همان)

اما بعد از بحث در خصوص نظریات وی بهتر است به عنوان دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه نظر و دیدگاه وی راجع به موضوع چند بعدی توسعه بدانیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

۱۳. توسعه از دیدگاه ابن خلدون

بر اساس نظریه‌های تاریخ‌شناسان برجسته معاصر، آرنولد توین‌بی و جامعه شناسان معروفی چون پیترام سوروکین ؛ اندیشمندان اروپایی و امریکایی، ابن‌خلدون در پیشنهاد کردن نظریه‌های جامعه‌شناسانه و پژوهش‌های تاریخی فراتر از عصر خویش حرکت کرده است. ابن‌خلدون واژه‌ی توسعه را در عام‌ترین شکل و در اشاره به تحولات مکانی و زمانی جامعه‌ها به کار برده است. بنابراین از نظر وی علم تحول و تطور و یا جامعه شناسی (علم العمران) در بستر علمی خویش به تاریخ مربوط بوده، زیرا این علم طریقه‌ای برای بررسی و درک تاریخ بوده است.

ابن‌خلدون در تشریح روابط پویای جوامع چادرنشین قبیله‌ای، روستایی و شهری نشان داد که چگونه جامعه‌ها از سازمان‌های ساده به سوی سازمان‌های پیچیده حرکت می کنند. عصبیت یا همبستگی گروهی و پیوستگی اجتماعی در میان جامعه‌های قبیله‌ای مستحکم‌تر است. به این ترتیب، او به وجود دو نوع جامعه اشاره می کند. جامعه‌ی بدوی و اولیه (جامعه البادیه) و جامعه متمدن و پیچیده (جامعه الحاضره). جامعه متمدن که از شهرنشینی ناشی می شود برسه عامل متکی است :جمعیت ، منابع طبیعی و کیفیت حکومت.

از نظر او توسعه تنها به معنی پیشرفت کمی بر حسب رشد اقتصادی نیست، بلکه پاره ای از عامل‌های اجتماعی، روانشناختی، فرهنگی وسیاسی نیز برای تداوم و کیفیت توسعه در جامعه‌ی پیشرفته ضروری است. به این ترتیب، انحصار فزاینده‌ی قدرت از سوی حاکم و نهادهای حکومتی، افزایش مصرف غیرضروری، افراط مردم در تجمل، افول عصبیت (همبستگی و پیوستگی اجتماعی)، رشد فردی، از خود بیگانگی در جامعه، همه از دیدگاه ابن‌خلدون نشانه‌های نخستین فروپاشی جامعه‌های متمدن و شهری و توسعه یافته به حساب می آیند.

دیدگاه ابن خلدون رابطه منطقی و ساختاری بین توسعه شهرنشینی و صنعت وجود دارد. توسعه شهرنشینی لازمه توسعه صنعت است که خود با سطح معینی از تراکم جمعیت و رفاه بستگی پیدا می کند، به این ترتیب شهرنشینی و صنعت گرایی لازم و ملزوم یکدیگرند و این مساله ای است که امروزه نیز در بحث توسعه صنعتی مطرح است.

ابن خلدون بر این باور است که تا اجتماع شهرنشینی و تمدن شهری به مرحله کمال نرسد امکان توسعه و رشد صنعت فراهم نمی شود، زیرا مردم تنها به کسب ضروریات معاش همت می گمارند، باید در شهر مصرف دامنه پیدا کند و تجمل گرایی افزایش یابد تا صنعت رشد کند.نیکویی صنایع به نسبت ترقی اجتماع، رشد و افزایش ذوق هنری و زیباشناسی در رشد صنایع ظریفه و تولیدات بهتر و متنوع تر که موردپسند مردم قرار گیرد، موثر است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

در نهایت باید بین رشد صنعت و پیشرفت تمدن بشری نیز ارتباط برقرار کـرد و در نهایـت بـا زوال شهرها صنایع نیز رو به زوال می روند. نقش دولت در توسعه صنایع نیز از اهمیت خاصی برخـوردار است. دوام دولت ها و تشویق آنها در توسعه صنایع موثر است.

بالاخره در دیدگاه ابن خلدون بین توسعه و رشد صنعت و رشد دانش رابطه مستقیم و اجتنـاب ناپذیری وجود دارد. در حقیقت علم و تکنولوژی خمیرمایه اصلی بهبود گسـترش صـنایع اسـت. در عمل درجه پیشرفت صنعت به درجه پیشرفت دانش بستگی پیدا می کند و بالاخره ابـن خلـدون از نقش اعتماد و شایستگی و مهارت در رشد صنایع سخن گفته است.

جمع بندی و نتیجه گیری

ابن خلدون در خلال درک و شناخت تاریخ، همراه با بررسی های دقیق و ذره بینـی خـود دربـاره انسان، زمان و مکان به منظور تحلیل و تولید اندیشه اقتصادی اصیل، بررسی تجربی روشنگری را به کار گرفت. وی برای اولین بار در تاریخ در زمینه اقتصاد اثر پرباری از خود بر جای گذاشت. وی زیـر پوشش بررسی نظریه ارزش و ارتباط آن با کار، تحلیل درباره تئوری انباشت سرمایه و ارتباط آن بـا فراز و نشیب سلسله پادشاهی، برداشت خود دربـاره پویـایی تقاضـا، عرضـه، قیمـت و سـود، و نیـز برداشت خود ازمسأله پول ونقش دولت،تئوری چشمگیر مالیات ستانی و دیگر قضـایای اقتصـادی را به طور عمیق و گسترده تشریح و اثبات کرد. با توجه به مشارکت بی سابقه ابن خلـدون در تمـامی زمینه های علم اقتصاد، شایسته است وی را «پدر علم اقتصاد» بنامیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]

منابع

۱.اخوان، حمید (۱۳۸۲)، مقایسه اجمالی نظریات اقتصادی ابن خلدون و آدام اسمیت، نشریه اندیشه صادق، شماره ۱۰، صفحات ۱۶ تا ۳۱.

۲.برین،احسان (۱۳۹۲)، شباهت شگرف نظریات ابن‌خلدون و اسمیت،هفته نامه تجارت فردا ،شماره ۴۳

۳.پایگاه خبری انتخاب تاریخ انتشار: ۰۲ آبان ۱۳۹۰ - ۱۳:۱۳

۴.تاون، جورج (۱۳۸۲)، ابن خلدون پدر علم اقتصاد، ترجمه حسن توانایان فرد، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱.

۵.سهرابی،سعیده و گویا محمد (۱۳۸۸)،ابن خلدون،سایت جامعه شناسان نو اندیش

۶.قدیری اصل، باقر (۱۳۸۷)، سیر اندیشه اقتصادی: رویارویی مکتب ها از افلاطون تا بعد از کینز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۷.م. اویس، ابراهیم (۱۳۸۰)، ابن خلدون پدر علم اقتصاد، ترجمه نصرالله خلیلی تیرتاشی، نشریه معرفت، شماره ۴۱، صفحات ۶۱ تا ۶۹

۸.م.اویس،ابراهیم (۱۳۸۲)،ابن خلدون و نظریه پردازی های اقتصادی - پی ریزی شالوده های علم اقتصاد،ترجمه یعقوب نعمتی وروجنی

۹.مدنی، شایسته (۱۳۸۱)، اندیشمندان حوزه اقتصاد (۳): ابن خلدون

۱۰.ممقانی، محسن(۱۳۹۳)، مطالعاتی پیرامون نقش ابن خلدون در اقتصاد،سایت لذت اقتصاد.

۱۱.ویکی پدیا،دانشنامه آزاد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-11]